

اخلاق انتخاباتی در اندیشه امام خمینی (ره)

چکیده: هر جامعه‌ای با توجه به شرایط اجتماعی - فرهنگی و با در نظر گرفتن دوره‌های مختلف تاریخی - اعتقادی به یک شیوه حکومتی تمایل یافته، آن را به عنوان طرح حاکمیتی خود می‌پذیرد. جامعه ایران نیز از این قاعده کلی مستثنا نبوده است. لذا با عبور از مراحل مختلف تاریخی چون حکومت صفویه، دوران مشروطه و حاکمیت‌های استبدادی، طرح حاکمیت مردم سالاری دینی را به عنوان طرح غالب برگزیده است. این شیوه حکومت بر ارزش‌ها و مبانی اعتقادی - دینی مبتنی است و محل امتزاج دین و سیاست است، بنابراین باید توأمان، چه در اجرا و چه در نظریه، پای‌بند به شیوه مردم سالاری ممزوج با دین باشد.

از آنجا که انتخابات اساس نظام‌های مردم سالار است و با عنایت به وجود سه بعد اخلاق، احکام و اعتقادات دین، در این مقاله برآنیم تا به کنکاش درباره جنبه اخلاق و انتخابات به عنوان دو قطب تعیین کننده در هر دو بعد نظام مردم سالار دینی بپردازیم. لذا در این مقاله ابتدا به تبیین ماهیت و لزوم اخلاق انتخاباتی پرداخته سپس با ذکر مؤلفه‌های اخلاق انتخاباتی در اندیشه امام از طریق ارجاع به بیانات ایشان به بررسی این معیارها از دیدگاه آیات و روایات اقدام نموده در نهایت به نتیجه‌گیری و پاسخ به سؤالات مطرح در این مقاله خواهیم پرداخت.

کلیدواژه‌ها: اخلاق، انتخابات، مجریان انتخابات، نامزدهای انتخاباتی، اندیشه امام خمینی.

طرح سؤال

با سقوط رژیم سلطنت طلب و دیکتاتوری پهلوی و حاکمیت یافتن نظام جمهوری اسلامی، رأی و نظر مردم از اهمیت ویژه‌ای برخوردار گردید تا جایی که تمامی ارکان، از رأس تا ذیل آن، مطابق با دو امر اسلام و انتخاب مردم جایگاه یافتند. این امری است که پیش از تشکیل جمهوری اسلامی و در بحبوحه جریان انقلاب، بارها از سوی رهبر کبیر انقلاب اسلامی مورد تأیید و تأکید قرار گرفته است تا حدی که ایشان می‌فرمایند: «رژیم اسلامی و جمهوری اسلامی، یک رژیم است متکی بر آرای عمومی و فراندم عمومی» (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۳: ۵۱۴-۵۱۵). این همه التزام به رأی مردم ذهن هر پژوهشگری را معطوف به راهکارهای عملی نمودن و شیوه عملی این راهکارها می‌نماید. از آنجا که روش‌های قانونی همیشه بازدارنده افراد از ارتکاب به تخلفات نبوده و بسیاری از شگردهای انتخاباتی نیز به ظاهر با هیچ اصل و بند و تبصره‌ای از حقوق و قانون، تنافی نداشته لکن با اصول اخلاق منافات دارند، این سؤال در ذهن ایجاد می‌شود که آیا در اندیشه‌های بنیانگذار جمهوری اسلامی چیزی تحت عنوان مؤلفه‌های اخلاق انتخاباتی وجود دارد تا مجریان و نامزدها یا رأی دهندگان انتخابات با توجه به التزام ایشان به چنین مؤلفه‌هایی از او پیروی کنند؟ آیا اندیشه‌های اخلاقی ایشان در قانون برگزاری انتخابات تأثیرگذار بوده‌اند؟ ترویج اخلاق انتخاباتی مورد نظر امام چه تأثیری در جریان انتخابات و نتایج آرا دارد؟ اخلاق مطرح در اندیشه ایشان چگونه اخلاقی است پیامدگرا یا ناپیامدگرا؟ این سؤالات و سؤالاتی که مطرح نشد همگی پرسش‌هایی هستند که در ضمن این مقاله در مقام جوابگویی به آنها برخورد خواهیم آمد.

ماهیت اخلاق انتخاباتی مطرح در مقاله

«اخلاق» در اصل، واژه عربی است که مفرد آن «خلق و خو» می‌باشد. «خُلِقَ» در لغت به معنای سرشت و سنجیه به کار رفته است. آنگونه که خدای متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «إِنَّ هَذَا إِذَا خُلِقَ الْأَوَّلِينَ» (شعرا: ۱۳۷). محمد بن یزید در بیان معنای «خلق» می‌گوید: خلق یعنی مذهب و آن سیره‌ای است که کارها را بر آن جاری می‌کنند (حمیری ۱۴۲۰ ج ۳: ۱۸۸۲). این سرشت اعم است از اینکه سنجیه و سرشتی نیکو و پسندیده مانند جوانمردی و دلیری یا زشت و ناپسند مثل فرومایگی و بزدلی باشد. لغت‌شناسان عموماً آن را با واژه «خُلِقَ» هم‌ریشه دانسته‌اند (جوهری ۱۴۱۰ ج ۴: ۱۴۷۱). گاهی نیز اخلاق صرفاً در مورد اخلاق نیک و فضایل اخلاقی به کار می‌رود؛ مثلاً وقتی گفته می‌شود «فلان کار اخلاقی است» یا «دروغ‌گویی کاری غیر اخلاقی است» یا زمانی که گفته می‌شود «عصاۃ اخلاق عشق و محبت است» منظور از اخلاق فضیلت است (مصباح یزدی ۱۳۸۰: ۱۴). این معنا از اخلاق در زبان انگلیسی هم رایج است و غالباً تعبیر «اخلاقی» [۳] معادل با «درست یا خوب» است و مقابل آن یعنی «غیر اخلاقی» [۴] به معنای «نادرست و بد» است (فرانکنا ۱۳۷۶: ۲۸).

اخلاق از دو بعد حائز اهمیت و در خور بررسی است: نخست، شناسایی ماهیت خوی‌ها و خصلت‌های نیک و زشت. دیگر، ابراز و بروز دادن آنها در ارتباط با دیگران. موضوع اول در علم اخلاق بحث می‌شود، لیکن محور دوم در فقه مطرح است (جمعی از پژوهشگران ۱۴۲۶ ج ۱: ۳۱۶). همچنین در پژوهش‌های اخلاقی سه حوزه مطرح می‌شود اخلاق توصیفی؛ اخلاق هنجاری و فرا اخلاق.

مقاله پیش رو اخلاق را در معنای سرشت و سنجیه نیکو یعنی فضیلت، با رویکرد توصیفی و از آن جهت که در ارتباط با دیگران ابراز می‌شود بررسی می‌کند. به عبارت دیگر، ما در این مقاله با بررسی بایدها و نبایدهای مطرح در اندیشه رهبر کبیر انقلاب اسلامی به پژوهش درباره مؤلفه‌ها، اصول و معیارهای مطرح در اندیشه ایشان که از سوی تمامی افراد دخیل در امر انتخابات، اعم از نامزدها و مجریان و انتخاب‌کنندگان در مراحل مختلف انتخابات، لازم‌الاجرا است می‌پردازیم.

ضرورت اخلاق انتخاباتی

دین دارای سه بعد اخلاق، احکام و عقاید است. در این میان آنچه بنیان و ریشه دین به حساب می‌آید عقاید است که قبول احکام و اخلاق محصول باور به همین معتقدات می‌باشد. اعتقاد به مردم سالاری دینی در واقع اعطای نوعی مشروعیت الهی به حاکمیت مردم سالار است. لذا این نوع خاص از مردم سالاری می‌بایست مبتنی بر ریشه‌های اعتقادی، و قوانین جاری یعنی بایدها و نبایدهای الزام‌آور آن برگرفته از شریعت الهی باشد. برقراری نظم و ایجاد انسجام در جامعه، جلوگیری از تجاوزات و افراط و تفریطها، قبول انشاء احکام و دستورات، الزام به آرای قضایی و التزام قانونی به تعهدات و مسئولیت‌ها و ممنوعیت سوء استفاده از امکانات و مناسبات همگانی و عمومی و... همه و همه باید برگرفته از همین دستورات شرعی باشد. تمامی این موارد اشاره به مسائلی است که افراد به جهت رسمی بودن آنها ملتزم به رعایشان می‌باشند، لکن تخلف از آنها اگر چه مجازات‌های معین و مصرح در قانون را به دنبال دارد اما اعمال این مجازات‌ها مستلزم اثبات تخلفات در دادگاه‌های صالحه‌ای است که با توجه به هزینه و تبعات حاصل از وقوع جرایم و تخلفات، قوه قضاییه به عنوان مرکز عدل گسترتری از جانب حاکمیت، مسئول بررسی آنها است. مسأله‌ای که امروزه در تمامی نظام‌های حقوقی جهان

مورد توجه قرار گرفته، توجه به پیشگیری از وقوع تخلف و جرم است. این پیشگیری می‌تواند از طریق وضع قوانین یا اعمال نوعی مدیریت هدایت شده انجام گیرد، اما آنچه مثمر ثمر و مفید فایده به نظر می‌رسد ایجاد نظام تربیتی خاصی است که حاصل آن هشدارهای درونی افراد به خود در راستای جلوگیری از ارتکاب به یک چنین اعمالی است. اخلاق‌مداری و آخرت‌گرایی به عنوان دو مؤلفه اساسی دینداری، می‌توانند به کاهش دعاوی کیفری بینجامند. اخلاق‌مداری و تقوی، فرد را از تعدی به حقوق دیگران باز می‌دارد و او را فردی اجتماعی و خیرخواه جامعه می‌گرداند. در واقع این مطلب اشاره به شیوه تربیتی است که در فرهنگ اسلامی آن را منجر به تقویت نفس لوامه می‌دانند. آنچه در میان ابعاد مختلف دین متکفل این امر است، چیزی جز اخلاق که انسان‌ها را از ارتکاب به جرایم باز داشته و به عنوان بازدارنده‌ای مؤثر عمل می‌کند، نمی‌باشد. هرچه موضوع تخلف اهمیت بیش‌تری داشته باشد نگاه بازدارنده از اهمیت فزون‌تری برخوردار خواهد بود. لذا با در نظر گرفتن نقش و اهمیت انتخابات در نظام‌های مردم‌سالار از یک سو و لزوم پای‌بندی به ارزش‌ها و اصول اخلاقی در نظام‌های برخاسته از اعتقادات مذهبی از سوی دیگر به ضرورت اخلاق انتخاباتی پی می‌بریم. اما از آنجا که نظام جمهوری اسلامی از اندیشه‌های سیاسی - الهی امام خمینی تأثیر پذیرفته است بازیابی این ضرورت در اندیشه ایشان بیانگر نقش تعیین‌کننده اخلاق در انتخابات نظام مذکور می‌تواند باشد.

در این راستا می‌توان گفت اگرچه عدم التزام عملی به اخلاق گاه موجب مجازات قانونی است اما گاهی فاقد مجازات بوده لذا جرم انتخاباتی به حساب نمی‌آید که در صورت دوم چنانچه با اکراه عمومی روبرو شود می‌توان آن را به نوعی مجازات افکار عمومی به حساب آورد، زیرا از آنجا که این افکار عمومی تعیین‌کننده اصلی نتایج انتخابات هستند بداخلاقی در انتخابات، اسباب عدم وصول به هدف از شرکت در آن را که جلب آرای عمومی است، فراهم می‌نماید. اگر عملی از سوی افکار عمومی مورد مجازات قرار گیرد که در قانون، مجازات تصریح شده‌ای برای آن در نظر گرفته نشده باشد در واقع بیانگر تأثیر اخلاق نسبت به آن مسأله در محیط عمومی جامعه خواهد بود. به همین جهت می‌توان ادعا کرد که اخلاق انتخاباتی مورد قبول افکار عمومی، بازدارنده‌ای قوی‌تر از قانون است و این شاهد دیگری بر ضرورت وجود اخلاق انتخاباتی است.

اصول انتخاباتی در اندیشه امام

اکنون با روشن شدن محدوده موضوع بحث و ضرورت آن به بیان اصول انتخاباتی در اندیشه امام راحل می‌پردازیم.

اصل اول: لزوم مشارکت عمومی و نفی بی‌تفاوتی نسبت به انتخابات

در هر جامعه انسانی با انگیزه‌ها و خواست‌های متفاوت وجود دارند. از آنجا که انسان ذاتاً موجودی اجتماعی است، تأمین این خواست‌ها و عملی کردن این انگیزه‌ها نیز تنها در همین حیات اجتماعی ممکن و میسر می‌باشد. به همین جهت حرکت کلی یک جامعه تعیین‌کننده و تأثیرگذار بر جهت‌گیری‌های فردی آن جامعه نیز خواهد بود. این امر در جوامع بهره‌مند از رژیم‌های حکومتی متکی بر آرای مردم جلوه و نمود بیشتری از خود نشان می‌دهد، چراکه در هر انتخابات افکار برگزیدگان آرای عمومی نقشه و راهبرد اجرایی جامعه را تا زمان حضور در مسئولیت خویش تعیین می‌کند. فلذا هرچه افراد مذکور بهره‌مند از افکار صحیح‌تر و دارای پشتوانه آرای

بیش تری باشند در اقدامات خویش از تحرک و توان و عزم بیش تری برخوردار بوده حرکت جامعه را در رسیدن به اهداف جمعی خود شتاب بیش تری می بخشند و به تبع، افراد جامعه نیز در جریان این حرکت قرار گرفته در مدت زمان کمتر به اهداف خویش نائل می گردند.

به همین جهت مشارکت عمومی مردم در چنین جوامعی از نقش تعیین کننده ای برخوردار بوده یا اسباب صعود یا موجبات سقوط را فراهم خواهد کرد. هرچه این مشارکت از روی فکر و اندیشه و با حضور بیش تری باشد، پیشرفت جامعه از تضمین بالاتری برخوردار خواهد بود. از این رو مشارکت عمومی به معنای فعالیت مسئولانه و انتخاب گرانه شهروندان در تصمیم گیری ها محسوب گردیده و از انحصاری شدن روند تصمیم سازی و سلطه گروه و فکر خاص جلوگیری می کند.

علاوه بر این مطلب، ایجاد امنیت و ثبات اجتماعی را که خود عاملی بازدارنده بوده و موجب انصراف دشمنان خارجی از فکر تعرض و تعدی به خاک یک کشور می شود، می توان توجیه گر دیگری بر لزوم و ضرورت مشارکت عمومی برشمرد. لذا انتخابات که تجلی گاه حضور و مشارکت سیاسی مردم و میدان تحقق اراده ایشان در جهت رقم زدن سرنوشت آنها می باشد در اندیشه امام راحل از جایگاه ویژه و حسن فعلی برخوردار بوده و به عنوان یک ارزش ملی - اسلامی معرفی می گردد تا جایی که ایشان آن را در حد یک وظیفه شرعی و واجب عینی بر می شمردند. بیانات و موضع گیری های ایشان گواهی آشکاری بر این مدعا است. آنجا که می فرمایند:

این وظیفه ای است الهی، وظیفه ای است ملی، وظیفه ای است انسانی، وظیفه ای است که ما باید عمل به آن بکنیم، همه مان باید در انتخابات شرکت بکنیم (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۸: ۳۸۱).

همچنین آنجا که مردم را به جهت رفع تهدیدات خارجی توصیه به مشارکت فعال در امر انتخابات نموده و می فرمایند:

شما چنانچه سطح رأیتان از زمان سابق - خدای نخواستہ - کمتر بشود، بوقهای تبلیغاتی خارج و شکست خورده های فراری به خارج خواهند گفت که ایران از اسلام رو برگردانده و از جمهوری اسلامی رو برگردانده است. و این تبلیغ در همه جا خواهد شد و این ممکن است در دنیا پایه های این جمهوری را سست کند... (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۵: ۲۶۱).

بیانات و موضع گیری های انبوه دیگری نیز از ایشان، همگی بیانگر ارزشمند و نیکو بودن و بلکه واجب بودن مشارکت در امر انتخابات است.

اصل دوم: تأیید یا احراز صلاحیت بر اساس قانون

دومین مؤلفه از مؤلفه های اخلاق انتخاباتی در اندیشه امام راحل مربوط به ناظران امر انتخابات است که وظیفه بررسی صلاحیت نامزدهای انتخاباتی را برعهده دارند. نظریه ها و تفاسیر گوناگونی در مورد بررسی صلاحیت نامزدهای انتخاباتی وجود دارد. براساس اصل ۹۹ قانون اساسی وظیفه خطیر نظارت بر انتخابات و بررسی صلاحیت نامزدها بر عهده شورای نگهبان قرار گرفته است. این امر از آن جهت دارای وجهه اخلاقی است که فارغ از انواع تفاسیر درباره اطلاعی بودن یا استصوابی بودن این نظارت، امری به حساب می آید

که اعمال هرگونه سلیقه شخصی در این رابطه، اعضای شورا را از صلاحیت عضویت که فقیه عادل بودن است ساقط نموده و ایشان را در برابر قضاوت الهی مسئول و پاسخگو می‌نماید. لذا با توجه به این مسأله است که امام هر دو سوی مسأله، چه تدقیق در صحت انتخابات و چه احراز یا تأیید صلاحیت را تنها در چهارچوب قانون صحیح دانسته، موارد خارج شده از این محدوده را دارای قبح فعلی به حساب آورده، صیانت از شورای نگهبان را در گرو عملکرد اعضای آن دانسته و می‌فرماید:

صحابتهای شما باید به صورتی باشد که همه فکر کنند در محدوده قانونی خودتان عمل می‌کنید، نه یک قدم زیاد و نه یک قدم کم. در همان محل قانونی وقوف کنید، نه یک کلمه این طرف و نه یک کلمه آن طرف. گاهی ملاحظه می‌کنید که مصالح اسلامی اقتضا می‌کند که به عناوین ثانوی عمل کنید. به آن عمل کنید (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۹: ۴۴ - ۴۳).

چرا که آثار و تبعات اعمال نظرات شخصی اعضا یا پیش داوری ایشان نسبت به افراد مطرح صرفاً به انتخابات منحصر نگردیده بلکه موجبات دلسردی و دلزدگی جمیع افراد شرکت کننده را نیز فراهم می‌آورد. لذا با توجه به این مطالب امام اعضای این شورا را به دقت لازم و کافی و نه تدقیق موشکافانه، دعوت نموده از اعمال هرگونه نظرات شخصی و پیش داوری برحذر می‌دارند. نمونه بارز این مورد را می‌توان در بررسی صحت انتخابات دوره سوم مجلس شورای اسلامی مشاهده کرد. آنجا که ایشان خطاب به یکی از اعضای شورا، علت دخالت خود در فعالیت شورای نگهبان را همین مطلب دانسته، رسیدگی سریع به شمارش آرای انتخابات مجلس را از شورای نگهبان درخواست می‌کنند [۵].

اصل سوم: تمهید امکانات و تدابیر لازم جهت برگزاری انتخابات

یکی دیگر از اصول مطرح در اندیشه امام راحل، لزوم تمهید مقدمات و تدابیر لازم جهت برگزاری هرچه باشکوه‌تر انتخابات در جمهوری اسلامی است. اساساً در رژیم‌های مردم‌سالار برگزاری انتخابات از یکسری تشریفات و ترتیباتی که در قانون عادی یا اساسی ذکر شده‌اند، برخوردارند. در حقیقت این ترتیبات حافظ حق رأی افراد شرکت کننده و مانع دخالت افراد مسئول و غیر مسئول جهت تغییر و تبدیل در آرا است. فلذا قانون اساسی جمهوری اسلامی در اصل ششم ضمن تأیید اصل تعیین کننده بودن انتخابات جهت احراز مقامات رسمی کشور همچون رئیس جمهور، نمایندگان مجلس شورای اسلامی، اعضای شوراها و نظایر اینها، به کارگیری همه امکانات دولت جهت مشارکت عامه مردم در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را در اصل سوم مورد تأیید قرار داده نظارت بر این اجرا را طبق اصل ۹۹ برعهده شورای نگهبان نهاده است.

حوزه‌بندی انتخابات و فرمان اخذ رأی و مقررات مربوط به رأی دهندگان باید به نحوی قبل از انتخابات برای مردم تشریح شود تا ابهامی باقی نماند. اصول قانونی مربوط به انتخابات که قانون اساسی یا قوانین عادی معرف آن هستند باید با دقت و صحت به مورد اجرا گذاشته شود.... مسائل کلی و اساسی مربوط به انتخابات در قوانین اساسی می‌آید و قوانین عادی مقررات جزئی را پیش‌بینی می‌کنند (مدنی ۱۳۷۶: ۱۴۶).

تمامی این مسائل همگی از آن جهت دارای اهمیت هستند که حافظ حق تعیین سرنوشت افراد جامعه می‌باشند، فلذا با وجود تصریح قانون انتخابات به این مطالب، امام راحل از کنار این مسأله به راحتی عبور نکرده همگان را طی بیاناتی ملزم به حسن اجرای قانون نموده فرموده‌اند:

توجه به اینکه انتخابات جوری باشد که مردم پسند باشد، نه جوری باشد که فرض کن خان پسند باشد، ما او را می‌خواهیم. مردم پسند باشد، یعنی مردم احساس بکنند به اینکه مسأله انتخابات به آن طوری که قانون انتخابات گفته است، به آن طوری که اسلام می‌خواهد دارد عمل می‌شود. عمل مال شماس است، قانون یک ثبتي است که می‌شود، یک وظیفه‌ای تعیین می‌کند، لکن آنی که مهم است در مقام عمل است. مقام عمل جوری باشد که تطبیق بکند با قانون، و مردم راضی باشند در عمل. و توجه به این معنا هم از لازمات است که توجه بکنید که اخلاک‌گراها نیاند خرابکاری بکنند (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۸: ۳۸۰).

اصل چهارم: حفظ اصالت آرا (تحمیلی نبودن آرا و صیانت از آنها)

یکی دیگر از اصول انتخاباتی مورد نظر امام خمینی اصل بنیادین اصالت رأی است. از این واژه برداشت‌های متفاوتی می‌توان ارائه داد: یکی آنکه در جامعه آنچه اصالت دارد رأی مردم است، هر چند این رأی و نظر در مقابل احکام صریح اسلامی باشد. دیگر آنکه ملاک و میزان عملکرد حکومت در جامعه رأی و نظر مردم است، اما رأی و نظری که از سوی مردم مسلمان مقید به احکام اسلامی داده می‌شود. مسلماً آنچه در دیدگاه امام راحل از اصالت رأی مطرح می‌شود همین نظریه دوم می‌باشد که البته مختص جامعه اسلامی است. به عنوان نمونه می‌توان به سخنرانی ایشان در تاریخ ۲۵ خرداد ۱۳۵۸ اشاره کرد، آنجا که می‌فرمایند:

یک نفر چه حقی دارد برای ۵۳ میلیون جمعیت رأی بدهد؟ پنجاه نفر - ششصد نفر چه حقی دارد برای یک ملت ۵۳ میلیونی رأی بدهد؟ این حق برای این است که شما می‌خواهید رأی بدهید. رأی شماس است. میزان؛ رأی ملت است (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۸: ۱۷۳).

در ادامه نیز به مسلمان بودن و مقید بودن مردم به اسلام اشاره کرده و مخالفان رأی مردم مسلمان را غرب زده برشمرده و می‌فرمایند:

آقایان می‌گویند که ملت بی‌اطلاع است! من می‌گویم شما هم بی‌اطلاع هستید. اگر ملت بی‌اطلاع است، شما بی‌اطلاعتر هستید! برای اینکه در اینجا اطلاعات اسلامی می‌خواهد، و بعضی از شما اصلاً اطلاع ندارید. بعضی از شما نمی‌داند نماز چند تا است! چرا ملت ما اطلاع ندارد؟ چرا این قدر ملت ما را ضعیف قرار می‌دهید؟ چرا اهانت به ملت می‌کنید؟ چه حقی دارید؟ در ملت ما همه چیز هست. اگر اسلام فقط عیب است، بله شما حق دارید. ملت ما مُسَلَّم است؛ شما هم اسلام را قبول ندارید؛ پس ملت ما چیزی نمی‌داند برای اینکه اسلامی است؟! و اسلام چیزی است که مخالف با همه دانشهاست؟! حرف شما این است؟ یک قدری در حرفهایتان تفکر کنید. یک قدری در مطالبتان تعقل کنید، نگذارید که ملت یکوقت به تنگ بیاید. رژیم سابق ملت را به تنگ آورد؛ نگذارید. یک قدری تعقل کنید. یک قدری برای اسلام حق قائل بشوید. یک قدری برای مسلمین حق قائل بشوید. یک قدری برای برادران اسلامی حق قائل بشوید (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۸: ۱۷۴-۱۷۵).

حفظ اصالت رأی مورد بحث دو نماد اصلی در انتخابات می تواند داشته باشد یکی مربوط است به زمان رأی گیری که ما از آن به تحمیلی نبودن رأی تعبیر می کنیم و دیگری مربوط است به حفظ آرای مأخوذه که از آن به صیانت آرا یاد می نمایم. آنچه در انتخابات و صحت و سلامت آن اهمیت دارد تحمیلی نبودن آرا و صیانت از آرای مأخوذه است که در غیر این صورت، محصول چنین انتخاباتی نظر مردم نخواهد بود بلکه مطابق نظر افرادی خاص با گرایش های معلوم بوده و در واقع به سخره گرفتن مردم سالاری به حساب می آید. به همین جهت است که «تحت تأثیر قرارداد نتیجه انتخابات، از راه تهدید یا تطمیع، وعده شغل، پرداخت قروض و نظایر آنها در همه کشورها ممنوع است و اگر اتفاق افتد شهروندان و کاندیداها مکلفند آنها را به مقامات صالح گزارش نمایند» (قاضی ۱۳۸۲: ۳۲۲). از این رو در ماده ۷ قانون انتخابات جمهوری اسلامی، انتخابات را به صورت مستقیم و عمومی و با رأی مخفی دانسته در ماده ۱۸ و ۱۹ خود، آرای مأخوذه ای را که از طریق خرید و فروش، تقلب و تزویر یا تهدید به صندوق های انتخاباتی ریخته شده باشند باطله معرفی می کند. فلذا امام خمینی با تعیین محدوده عملکرد مجریان و ناظران انتخابات به این مطلب اشاره کرده و می فرماید:

حالا شما که می خواهید در این انتخابات البته نظارت کنید، شما باید توجه کنید که این رژیم، رژیم انسانی - اسلامی است؛ رژیم طاغوتی نیست. یک کلمه نباید شماها مطلبی بگویید که تحمیل اسمش باشد؛ فضلاً اینکه یک عمل بکنید. مردم آزاد، همان طوری که در فرمانم بود، آزاد بودند مردم. مردم را باید آزاد بگذارید... نظارت باشد بر صندوقها به طوری که هیچ کس نتواند خیانت کند. صندوقها، دست امینها باشند، امین از ملت باشد که بعد صحبت نشود برای شما که فلان فرماندار مثلاً دخالت کرد در این امر. در حکومت اسلامی وضع این است که شماها الآن در انتخابات بیش از حق نظارت و فراهم کردن وسائل به آنقدری که باید حکومتها فراهم کنند، بیش تر از این حق ندارید (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۹: ۱۲۱).

در جای دیگر با اشاره به عدم تحمیل رأی به مردم می فرماید:

ما بنای بر این نداریم که یک تحمیلی به ملتمان بکنیم. و اسلام به ما اجازه نداده است که دیکتاتوری بکنیم. ما تابع آرای ملت هستیم. ملت ما هر طور رأی داد ما هم از آنها تبعیت می کنیم... اساس این است که، مسأله دست من و امثال من نیست و دست ملت است (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۱: ۳۴-۳۵).

اصل پنجم: ترویج و حاکمیت دادن به اسلام ناب

یکی از مهم ترین و اساسی ترین اصولی که امام در تمامی مسائل از جمله انتخابات بر آن تأکید داشته و اصرار می ورزیدند ترویج و حاکمیت دادن به اسلام ناب در مقابل اسلام آمریکایی است. ایشان در توصیفی از اسلام ناب و اسلام آمریکایی چنین می فرمایند:

مردم شجاع ایران با دقت تمام به نمایندگانی رأی دهند که متعبد به اسلام و وفادار به مردم باشند و در خدمت به آنان احساس مسئولیت کنند، و طعم تلخ فقر را چشیده باشند، و در قول و عمل مدافع اسلام پابرهنگان زمین، اسلام مستضعفین، اسلام رنجایندگان تاریخ، اسلام عارفان مبارزه جو، اسلام پاک طینتان عارف، و در یک کلمه، مدافع اسلام ناب محمدی - صلی الله علیه و آله وسلم - باشند. و

افرادی را که طرفدار اسلام سرمایه‌داری، اسلام مستکبرین، اسلام مرفهین بی‌درد، اسلام منافقین، اسلام راحت طلبان، اسلام فرصت طلبان، و در یک کلمه، اسلام امریکایی هستند طرد نموده و به مردم معرفی نمایند (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۲۱: ۱۱).

با این بیان به لزوم در نظر گرفتن حاکمیت اسلام ناب در انتخابات پی می‌بریم اما سؤالی که در ذهن هر خواننده‌ای به وجود می‌آید پرسش از نمادهای اسلام ناب در انتخابات است؛ یعنی اینکه از دیدگاه امام راحل چه شاخصه اصلی جهت حاکم نمودن چنین اسلامی در امر انتخابات می‌توان یافت؟ اگرچه در این گفتار به چهار شاخصه اصلی مربوط به بحث اشاره می‌کنیم، اما این به منزله عدم وجود شاخصه‌های انتخاباتی دیگر از منظر اسلامی که امام در دنیای امروز مبلغ آن بود، نمی‌باشد.

الف) رعایت شئون و شعائر اسلامی

آنچه بیانگر و فارق اندیشه‌ای از سایر اندیشه‌ها است نمادهای ظاهری آن تفکر می‌باشد. به همین جهت تمام نحله‌های فکری هر یک برای بازساخت خود و طرفداران خود از دیگران اقدام به ابداع یا انتشار نمادهایی می‌کنند تا به وجود و بقای آن تفکر در جامعه مباحث نمایند. اسلام به عنوان یک دین همه جایی و همه زمانی خالی از این وجه نبوده، هم در اعمال روزانه و رفتارهای شخصی و هم در نوع ظواهر به این مسأله توجه خاص نموده و لذا آنجا که خداوند می‌فرماید: «وَمَنْ يُعْظَمْ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ» (حج: ۳۲) منظور لزوم اهتمام به همین نمادها و ظواهر دینی است:

و اضافه تقوی به قلوب اشاره است به اینکه حقیقت تقوی و احتراز و اجتناب از غضب خدای تعالی و تورع از محارم او، امری است معنوی که قائم است به دلها. و منظور از قلب، دل و نفوس است. پس تقوی، قائم به اعمال - که عبارت است از حرکات و سکنات بدنی - نیست، چون حرکات و سکنات در اطاعت و معصیت مشترک است، مثلا دست زدن و لمس کردن بدن جنس مخالف در نکاح و زنا، و همچنین بی‌جان کردن در جنایت و در قصاص، و نیز نماز برای خدا و برای ریا، و امثال اینها از نظر اسکلت ظاهری یکی است، پس اگر یکی حلال و دیگری حرام، یکی زشت و دیگری معروف است، به خاطر همان امر معنوی درونی و تقوای قلبی است، نه خود عمل و نه عناوینی که از افعال انتزاع می‌شود، مانند احسان و اطاعت و امثال آن (علامه طباطبایی ج ۱۴: ۵۲۸).

انتخابات که یکی از اعمال و رفتارهای مردم سالارانه است نیز نباید خالی از تعظیم شعائر الهی باشد، به همین جهت امام خمینی به این بیان اشاره کرده و می‌فرماید:

نصیحتی است از پدری پیر به تمامی نامزدهای مجلس شورای اسلامی که سعی کنید تبلیغات انتخاباتی شما در چهارچوب تعالیم و اخلاق عالیة اسلام انجام شود؛ و از کارهایی که با شئون اسلام منافات دارد جلوگیری گردد. باید توجه داشت که هدف از انتخابات در نهایت حفظ اسلام است. اگر در تبلیغات حریم مسائل اسلامی رعایت نشود، چگونه منتخب حافظ اسلام می‌شود. باید سعی شود تا خدای ناکرده به کسی توهین نگردد؛ و در صورتی که رقیب انتخاباتی به مجلس راه یافت، به دوستی و برادری، که چیزی شیرینتر از آن نیست، لطمه‌ای نخورد... (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۲۱: ۱۱).

ب) پرهیز از تخریب

حسن سابقه نامزد انتخاباتی از مواردی است که اکثراً قوانین کشورها نسبت به آن حساسیت ویژه‌ای بروز می‌دهند. برای اینکه کسی بتواند به افتخار برگزیدگی از سوی شهروندان نایل شود، باید از حیث رفتار و کردار، برتر و بالاتر از شهروندان عادی تلقی شود (قاضی: ۳۱۲). نماد این برتری رعایت اصول اخلاقی است و از آنجا که تخریب رقیب یا حامیان وی خلاف اخلاق است، بنابراین نامزد مرتکب چنین عملی مورد بازخواست قانونی قرار می‌گیرد چرا که در **قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی** فصل ششم ماده ۶۴ و ۶۵ ضمن اشاره به ممنوعیت تخریب رقیب و حامیان وی مرتکبین به چنین اعمالی را مشمول مجازات دانسته است. [۶]

چرا که انتخابات در نظام اسلامی ویژگی‌های خاص خود را دارد و افراد برای رسیدن به موفقیت و اهداف خود مجاز به استفاده از هر شگرد تبلیغاتی نیستند. امام خمینی در بیانات خود درباره تبلیغات انتخاباتی نسبت به هتک حرمت مؤمنین هشدار داده می‌فرماید:

از آقایان کاندیداها و دوستان آنان انتظار دارم که اخلاق اسلامی-انسانی را در تبلیغ برای کاندیدای خود مراعات؛ و از هرگونه انتقاد از طرف مقابل که موجب اختلاف و هتک حرمت باشد خودداری نمایند (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۲:۱۲).

در جایی دیگر ضمن اشاره به قبح چنین عملی مرتکبین به آن را فاقد عدالت دانسته و می‌فرماید:

بعضی از کاندیداها -خدای نخواست- بعضی دیگر را تضعیف یا توهین می‌کنند، در رابطه با آن تذکر دهم که، امروز این نحو مخالفت‌ها خصوصاً از چنین کاندیداهایی، برای اسلام و جمهوری اسلامی فاجعه‌آمیز است. اگر فرضاً کسی در دیگری مناقشه دارد، ابراز آن و اظهار در بین مردم هیچ مجوزی ندارد، و حیثیت و آبروی مؤمن در اسلام از بالاترین و والاترین مقام برخوردار است و هتک مؤمن، چه رسد به مؤمن عالم، از بزرگترین گناهان است و موجب سلب عدالت است (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۷: ۱۳۴-۱۳۳).

ج) پرهیز از الغای یأس و ناامیدی

یکی از مؤلفه‌های ارزیابی سعادت مندی یک جامعه و ملتی، میزان «سطح امید» آنهاست. به عبارت دیگر میان سعادت مندی و سطح امید افراد یک جامعه تلازم وجود دارد. سطح بالای امید، نشانگر بالندگی و سرزندگی است و هر اندازه سطح امید افراد، بالاتر باشد، توفیقشان در عرصه‌های گوناگون حیات بیش تر است. این ملازمه بین سعادت و سطح امید را می‌توان در سخن پیامبر گرامی اسلام (ص) مشاهده نمود، آنجا که می‌فرماید: «الْأَمَلُ رَحْمَةٌ لِّأُمَّتِي، وَ كَوْلًا لِّلْأُمَّلِ مَا رَضَعَتْ وَالِدَةٌ وَ كَلْدَهَا وَ لَأَعْرَسَ عَارِسٌ شَجْرًا»؛ امید و آرزو، رحمتی است برای امت من، و اگر امید و آرزو نبود، هیچ مادری فرزندش را شیر نمی‌داد و هیچ کشاورزی درختی را نمی‌کاشت (مجلسی بی تا ج ۷۴: ۱۷۳).

لذا جای شگفت نیست که بگوییم این سطح امیدواری قابل انتقال از فردی به فرد دیگر است. به همین جهت است که امیرمؤمنان (ع) درباره تأثیرپذیری نامحسوس و پنهانی از معاشر و همنشین فرموده‌اند: «... طَبَعُكَ يَسْرُقُ مِنْ طَبَعِهِ... وَ أَنْتَ لَا تَعْلَمُ»؛ طبیعت و روان تو (اوصاف و احوالی را) از طبیعت و روان همنشینت می‌رباید؛ به گونه‌ای که متوجه (این ربایش) نمی‌شوی (ابن ابی الحدید ج ۲۰: حکمت ۱۴۷).

از آنجا که یک جامعه بدون وجود افراد آن، معنا و مفهومی ندارد، بنابراین می‌توان چنین ادعا کرد که ناامیدی موجود در افراد موجب گسترش آن در جامعه گردیده و به تبع، اسباب عقب‌ماندگی جامعه را به دنبال خواهد داشت.

تبلیغات انتخاباتی که یکی از مؤثرترین عناصر در جوامع مردم‌سالار است در صورتی که مشتمل بر الغای یأس و ناامیدی باشد به جای آنکه اسباب پیشرفت و رونق جامعه را فراهم کرده به هدف واقعی خود که همان انتخابات مرتب و دقیق مقامات دولتی در انتخاباتی آزاد و رقابت آزاد و رقابت آمیز جهت کنترل و نظارت مردم در سیستم‌های دموکراتیک است (بیتهم و بویل ۱۳۷۶: ۵۷-۵۸) برسد موجب عقب‌ماندگی و ایجاد رخوت و سستی در جامعه می‌شود. از این رو امام خمینی با اشاره به وجود همین تلازم میان امید و سعادت‌مندی جامعه می‌فرماید:

از جمله خرابکاریهایی که اینها می‌کنند؛ این است که ایجاد یأس می‌کنند در ملت... این مفسده‌جوها، و این انگلهایی که برای دیگران کار می‌کنند و می‌خواهند نگذارند ملت ما به سعادتش برسد (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۰: ۵۳۵-۵۳۴).

فلذا یأس را از جنود ابلیس دانسته می‌فرماید:

یکی از جنود ابلیس «یأس» است. در اموری که انسان باید با امید و طمأنینه و تصمیم عمل بکند شیاطین ایجاد یأس می‌کنند و با این ایجاد یأس جوان‌های ما را در آن مسائلی که باید با تصمیم جدی پیش ببرند گاهی سست می‌کنند (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۹: ۱۸۱).

همچنین در ردّ این تبلیغات یأس آلود هدف از آن را شکست جمهوری اسلامی دانسته می‌فرماید:

اینها نمی‌دانم چه جور مردمی هستند؟... مردم را به یأس می‌کشاند. اینها نمی‌دانند این معنا را که اگر مردم مأیوس بشوند، به منزله شکست خوردن است؟ یا می‌دانند و عمداً این کار را می‌کنند؟ من بسیاریشان را عقیده‌ام هست که عمداً با حساب دقیق [است] این اعمال حساب شده است، حسابش هم از خارج است (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۱: ۱۰).

از همین روست که یک انتخابات سالم و پرشور را موجب ناامیدی و یأس دشمنان دانسته‌اند (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۸: ۴۳۷).

د) پرهیز از اختلاف افکنی

بی‌شک از جمله عناصر لازم جهت حرکت جامعه به سمت پیشرفت، آرامش و وحدت در آن می‌باشد. اینکه افراد یک جامعه در هر بخشی از آن که فعالیت می‌کنند بتوانند به خوبی از انجام وظایف محوله برآیند مستلزم وجود آرامش خاطر است که این آرامش جز با وجود وحدت در تمامی جهات میسر نخواهد بود. این امر در جوامع دارای تکثر فرهنگی، مذهبی و قومی ملموس‌تر و حفظ وحدت در چنین جامعه‌ای از اهمیت بیش‌تری برخوردار است. به همین جهت امام خمینی با ذکر وجود و لزوم وجود اختلاف سلیقه‌ها در یک جامعه به منع از اختلاف افکنی و تبدیل آن به دشمنی می‌فرماید:

اختلاف باید باشد، اختلاف سلیقه، اختلاف رأی، مباحثه، جار و جنجال اینها باید باشد، لکن نتیجه این نباشد که ما دو دسته، بشویم دشمن هم. باید دو دسته باشیم در عین حالی که اختلاف داریم، دوست هم باشیم (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۲۱: ۴۷).

با ایجاد نظام مردم سالاری دینی و به تبع آن برگزاری هر از چندگاه انتخابات در جامعه ایرانی هر چند فرصت ایجاد تحول و دگرگونی در سطوح مختلف اداره جامعه به وجود آمد، لکن به موازات آن به جهت بروز اختلاف سلیقه‌ها در هر مرحله از انتخابات خطر وجود اختلافات و تبدیل آن به کینه و نفاق شدت یافت، به همین سبب امام راحل در فرازهای مختلفی از بیانات خویش مردم و مسئولین را به پرهیز از اختلاف افکنی ناشی از انتخابات ارشاد نموده، در توضیح قبح چنین عملی اختلاف را از مکاید شیطان و اختلاف افکنان را پیاده کنندگان توطئه‌های دشمنان دانسته، ادبیات شکست و پیروزی حاکم بر جو انتخابات را تعابیری زشت و موجب ایجاد اختلاف معرفی می‌نمایند (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۸: ۴۱۱-۴۱۰).

اصل ششم: رأی به واجدین شرایط

قطعاً یکی از مسائل مهمی که در هر نظام مردم‌سالار به آن توجه فراوانی می‌شود، شرایطی است که انتخاب‌شوندگان در یک انتخابات باید واجد آن شرایط باشند. ویژگی‌های لحاظ شده می‌تواند با توجه به مبانی انتخاب در هر یک از نظام‌های مردم‌سالار متفاوت باشد. از تفاوت در سن انتخاب‌کنندگان و انتخاب‌شوندگان که تفاوت‌های ظاهری است گرفته تا تفاوت‌های اعتقادی و مبنایی.

بی‌شک در یک نظام مردم‌سالار مبتنی بر اعتقادات مذهبی هرگز افراد غیر معتقد به چنین مبانی عقیدتی صلاحیت کاندیدا شدن را نخواهند داشت، لکن با در نظر گرفتن اصل مردم‌سالاری و تشخیص انتخاب‌کنندگان، شیوه لحاظ نمودن این شرایط در افراد، جهت نامزدی انتخابات می‌تواند مختلف باشد که به این مسأله در اصل دوم اشاره‌ای گذرا نمودیم. آنچه اینک در صدد بیان آن هستیم چیزی فراتر از اصل دوم است چراکه در مسأله قبل در ارتباط با وظایف ناظران انتخابات با توجه به اصل ۹۹ قانون اساسی بحث شد، لکن در اینجا درباره وظیفه انتخاب‌کنندگان و تشخیص آنها به بیان مطلب می‌پردازیم، هر چند مطالب مطرح در این قسمت روشن‌کننده بسیاری از ابهامات بخش گذشته خواهد بود.

زمانی سخن از بررسی صلاحیت افراد کاندیدا شده در انتخابات توسط ناظران انتخاباتی است. در اینجا آنچه عرف حقوقی و اصول اولیه فقهی مؤید آن است، تأیید صلاحیت افراد مگر در صورت اثبات خلاف آن می‌باشد که این مبتنی بر اصل براءت و عدم مجرمیت افراد جامعه است. اما اگر سخن از بررسی صلاحیت افراد مذکور توسط انتخاب‌کنندگان و شرکت کنندگان در انتخابات باشد در اینجا احراز صلاحیت کاندیداها و بررسی شرایط لازم و ضروری در یک مأمور نظام دینی است و اینکه آیا چنین ویژگی‌هایی در فرد مذکور موجود است یا خیر. هر چند که این احراز به تشخیص افراد برمی‌گردد لکن اعلام دیدگاه افراد صاحب نظر درباره نامزدهای انتخاباتی امری شایسته و کمک به مردمی است که یا فرصت کافی یا اشراف اطلاعاتی مناسب جهت بررسی دقیق را ندارند. وجود احزاب و فعالیت‌های حزبی و رژیم‌های حزب محور نیز مبتنی بر قبول همین دیدگاه است. امام راحل با توجه به ضرورت احراز صلاحیت افراد کاندیدا شده از سوی مردم یا معرفی واجدین شرایط به انتخاب‌کنندگان مکرراً توصیه‌هایی داشته‌اند که ما در جهت استشهاد به چهار مورد از آنها — که مربوط به انتخاباتی متفاوت هستند — اشاره می‌کنیم:

[۱]- خبرگانی که برای رسیدگی به قانون اساسی جمهوری اسلامی انتخاب می‌شوند، باید آشنا به مسائل اسلام و خبره در آن باشند و نیز معتقد به اسلام و متعهد و امین و ملی و مورد اعتماد و بی‌گرایش به چپ و راست و پرهیزکار باشند. ملت عزیز، سرنوشت خود را به کسی دهید که در مسیر شماسست که مسیر اسلام است (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۹: ۲۵۴-۲۵۵).

[۲]- قانون اساسی را ملاحظه کنند و صفات رئیس جمهور را در آنجا ملاحظه کنند، و کسی که دارای آن صفات بود و او را به آن صفات می‌شناسید به او رأی بدهید، و اگر فاقد آن صفات باشد، احتراز کنید از رأی دادن به او. روز سرنوشت سازی است. می‌خواهید زمام کشور را به یک کسی بدهید که مؤثر است در مقدرات کشور شما. سهل‌انگاری نکنید، و به پای صندوقها بروید، و با هم اجتماع کنید، و کسی که لایق برای این مقام است و دارای آن صفاتی است که سوء سابقه نداشتن، وابستگی به رژیم سابق نداشتن، اینها از اموری است که باید ملاحظه بشود (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۱: ۳۹۳).

[۳]- من امیدوارم که اشخاصی که کاندیدا شدند برای ریاست جمهوری شما توجه کنید و کسی که از همه متعهدتر به اسلام، سوابق سوابق خوب، پیوسته به هیچ طرفی نه شرقی باشد، نه غربی باشد، نه غربزده باشد، نه شرقزده باشد، مسلمان باشد، پیرو احکام اسلام باشد، ملی باشد، دلسوز به ملت باشد، خدمتگزار به ملت باشد، سوابقش خوب باشد، در رژیم سابق هیچگاه وارد نشده باشد و با اجانب پیوند نداشته باشد، از خودتان باشد و برای خودتان. اختیار دست شماسست. من بنا ندارم که کسی را تعیین کنم. ما همین اوصاف رئیس جمهور را و اوصاف و کلایی که بعد می‌خواهید ان شاء الله تعیین کنید باید بگوییم و شما خودتان انتخاب کنید و از تفرقه و تفرق پرهیز کنید. اشخاص را هم ملاحظه سوابقشان را بکنید که قبل از انقلاب چه بوده‌اند، در حال انقلاب چه بوده‌اند، و بعد از پیروزی نسبی چه کردند و چه بودند (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۱: ۴۸۴-۴۸۵).

[۴]- انتخابات یک محکی هم برای خودتان است که ببینید آیا می‌خواهید انتخاب اصلاح بکنید برای خودتان، یا برای اسلام؟ اگر برای خودتان باشد، شیطانی است. و اما اگر انتخاب اصلاح برای مسلمان‌هاست، «کی و از کجاست» مطرح نیست، از هر گروهی باشد، حزب باشد یا غیرحزب، نه حزب اسباب این می‌شود که غیر آن فاسد، و نه صد درصد حزبی بودن باعث صلاح آنهاست. و انتخاب اصلاح برای مسلمین یعنی انتخاب فردی که تعهد به اسلام و حیثیت آن داشته باشد؛ و همه چیز را بفهمد، چون در مجلس، اسلام تنها کافی نیست، بلکه باید مسلمانی باشد که احتیاجات مملکت را بشناسد و سیاست را بفهمد و مطلع به مصالح و مفاسد کشور باشد، و ممکن است به شما و گروه شما هم مربوط نباشد. اگر اصلاح را انتخاب کردید، کاری اسلامی می‌کنید و این یک محکی است برای خودتان که تشخیص بدهید انتخاب برای اسلام است، یا برای صلاح خودتان... (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۸: ۱۹۶-۱۹۷).

با توجه به بیانات مذکور، می‌توان به حسن احراز صلاحیت نامزدهای انتخاباتی از سوی مردم پی برد و تأکید ایشان بر مطالب فوق را دال بر لزوم چنین احرازی از سوی انتخاب کنندگان دانست.

اصل هفتم: مقابله با توطئه‌ها

با در نظر گرفتن وجود افرادی مطرود و کینه‌جو در هر جامعه‌ای، از آنجا که به جهت قطب‌بندی انتخاباتی ممکن است اختلافات شدیدی بروز و ظهور یابند، و این اختلافات فضای مناسبی را جهت توطئه برای مطرودین آن جامعه فراهم نماید، بازدارنده اصلی از سقوط به چنین ورطه‌ای تعهد اخلاقی به اصول سابق الذکر و عدم فرصت‌طلبی از چنین شرایط انتخاباتی است که این تعهد را می‌توان در راستای مقابله با توطئه دشمنان دارای ارزش فراوان دانست. بدین جهت امام راحل با اشاره به وجود مواردی این چنین در زمان حیات خویش ضمن دعوت همگان به شرکت در انتخابات بیان می‌دارند:

دشمنان اسلام و نهضت، در خارج و داخل، تبلیغات زهرآگین خود را شروع کردند، و چنین وانمود می‌کنند که مردم در این انتخابات بی‌تفاوتند و به سردی و سستی گراییده‌اند. می‌خواهند شما را متهم کنند که از جمهوری اسلامی رو برگردانیده‌اید. از شما ملت مبارز انتظار دارم که با شرکت همگانی خود یاره سرایان را رسوا کنید. و نیز اطلاع دادند که در اطراف دانشگاه - که محل اقامه نماز جمعه است - گروهی برای اخلال در شرکت در انتخابات پیا خاسته‌اند. دولت موظف است از آنان جلوگیری کند، و مردم موظفند به تبلیغات آنان اعتنا نکنند. ملت عزیز مسلمان! از اسلام و کشور اسلامی پاسداری کنید، و به سوی صندوق آرا هجوم آورید (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۹: ۲۵۹).

اصل هشتم: احترام به اصل انتخابات

مهم‌ترین و بنیادی‌ترین اصلی که در یک نظام مردم سالار مطرح است احترام به اصل انتخابات می‌باشد. این اصل بدان معناست که ما خود را ملتزم به مبانی، قوانین، الزامات و نتایج انتخابات بدانیم و آن را در عرصه عمل به اجرا بگذاریم. مبانی انتخابات یعنی آن چیزهایی که انتخابات بر آنها بنیان گذاشته شده است. این مبانی اعم است از مبانی نظری همچون علت، فلسفه، فواید یا ادله صحت و لزوم چنین روش‌گزینی یا مبانی ساختاری که بدون وجود آنها انتخابات معنای واقعی ندارند همچون حق رأی آزاد، تحمیلی نبودن رأی، اجباری نبودن شرکت در انتخابات و ... قوانین انتخابات نیز اعم است از رئوس کلی و جزئیات اجرایی انتخابات که رئوس کلی آن به طور معمول در قوانین اساسی کشورها ذکر می‌شود و جزئیات اجرایی و الزامات انتخابات که همان تدارکات لازم جهت برگزاری صحیح و سالم انتخابات است در قوانین عادی ذکر می‌گردد. منظور از نتایج انتخابات نیز همان آرای صحیح شمارش شده‌ای است که رأی دهندگان در درون صندوق آرا قرار داده‌اند. فلذا وقتی سخن از احترام به اصل انتخابات در میان است، منظور ملتزم بودن به تمامی این مسائل خواهد بود که تمامی افراد مطرح در مسأله انتخابات اعم از مجریان، ناظران، انتخاب‌کنندگان و انتخاب‌شوندگان و همچنین تمامی افرادی را که در جامعه انتخاباتی حضور داشته اما در آن شرکت نمی‌کنند، دربرمی‌گیرد. بنابراین همان‌طور که تن ندادن به نتایج انتخابات امری خلاف قاعده و اخلاق است، عدم اجرای صحیح آن نیز چنین خواهد بود.

امام راحل با توجه به اهمیت اصل انتخابات در بیانات فراوانی لزوم رعایت احترام آن را یادآور شده‌اند که ما مواردی را ذیلاً ذکر می‌نماییم:

[۱-] فرض کن حالا یک چیزی هم مخالف رأی فلان [است] فرض کنید که متجدد هست، خوب وقتی مردم رأی دادند آن هم باید بگذرد از آن. مردم رأی دادند، آنها وکیل شدند و گذشتند مطلب خود را. ثابت کردند این را. حالا ما باید بگذاریم به آرای خود مردم. و خود مردم هرچه رأی دادند (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۱: ۱۰۲).

[۲-] آنطوری که به من گزارش دادند انتخابات به طور آرامش تحقق پیدا کرد. حالا اگر بعضیها در انتخابات شکست خوردند نباید اینها که قصد خدمت داشتند منتها در مجلس حالا دستشان از آن کوتاه شده است، نباید یکسره ملت را به باد انتقاد بکشند. اگر شما شکست خوردید، نباید بگویید ملت ایران همه شان خلاف کرده اند. چطور یک ملت مسلمی، در یک امر حیاتی که با این آرامش و خوبی انجام داده است، اینها خیانتکار باشند؟ یک ملت که خیانتکار نمی تواند باشد. اشخاص باید آداب اسلامی را حفظ کنند. به مجرد اینکه یکی می خواهد وکیل بشود، و فرض کنید که دوست من است می خواهد وکیل بشود، یا از گروه من است می خواهد وکیل بشود و ملت او را وکیل نکردند، نباید یک دفعه قلمها را بردارند و بر ضد اصل انتخابات چیز بنویسند، حمله کنند به اصل انتخابات. شکایتی دارند، خوب شکایتشان را رسیدگی می کنند. هیاهو درست کردن، جز اینکه دامن زدن به این است که خیانتکارها راهشان باز بشود، چیز دیگری نیست... اینطور نباشد که منعکس کنید در خارج که خیر، مملکت ایران یک مملکتی است که انتخاباتش کذا شد. این حرف غلطی است. این حرف غلط را این قدر نزنید. برای خاطر خدا توجه داشته باشید که یک مجلس شورا که مجلس شورای اسلامی است و می خواهد برای ایران خدمت کند و باید قوه داشته باشد، تنها مرکزی است که تمام قوا باید تبع آن باشند، شما بخواهید برای اینکه شما وکیل نشده اید در کجا، هیاهو کنید که انتخابات انتخابات کذا بوده؛ این حرف خلاف اسلام است. شکایت اگر هست، شکایت پذیرفته است. و مقاماتی که باید شکایتها را بپذیرند، می پذیرند. اما هیاهو کردن و فریاد زدن و انتقاد بیجا کردن، این برخلاف دستورات اسلام است (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۲: ۱۹۹-۱۹۸).

اصول انتخاباتی امام: مؤلفه‌هایی اخلاقی و مستند به منابع شرعی

آنچه تاکنون بیان گردید همگی اصول انتخاباتی موجود در اندیشه امام راحل بود که ظاهراً فاقد ارتباط موضوعی با پژوهش حاضر است، اما در حقیقت مؤلفه‌های اخلاقی مطرح در اندیشه امام چیزی جز همین اصول سابق الذکر نمی باشد چرا که:

اولاً، اصول مذکور در بیانات ایشان از کثرت تکرار برخوردارند و همین تکرار، بر مهم و اساسی بودن آنها دلالت می کند.

ثانیاً، لحن بیان امام در تمامی موارد ارشادی است که این ارشادی بودن دال بر اخلاقی بودن توصیه‌هاست نه حقوقی بودن آنها. همچنین بیانگر نیت ایشان بر تربیت اخلاقی افراد جامعه و ایجاد سجیه نیکوی انتخاباتی در آنهاست.

ثالثاً، عدم الزام قانونی در برخی موارد و امکان وجود توجیهات بعضاً قانونی در بسیاری از آنها، علی‌رغم فهم غیر اخلاقی افکار عمومی نسبت به شماری از عملکردها و با در نظر گرفتن این نکته که اثبات مجرمیت در چنین مواردی صعب و دشوار است دلیلی است روشن بر اخلاقی بودن توصیه‌ها همراه با تلاش جهت ایجاد خصلت‌های نیکو و تربیت معلم گونه آحاد جامعه توسط رهبر کبیر انقلاب اسلامی.

رابعاً، تعدادی از اصول ذکر شده متوجه مجریان و ناظران انتخابات است. در این زمینه باید گفت اگرچه تخلف ایشان مجازات‌های قانونی در پی دارد، اما آنچه امام در صدد ایجاد و تبدیل آن به رویه‌ای همگانی است، اخلاق حرفه‌ای متصدیان امر انتخابات است نه الزام قانونی؛ زیرا در تعریفی که دانشمندان علم اخلاق از اخلاق حرفه‌ای ارائه کرده‌اند، چنین آمده است:

اخلاق حرفه‌ای به عنوان شاخه‌ای از دانش اخلاق به بررسی تکالیف اخلاقی در بیک حرفه و مسائل اخلاقی آن می‌پردازد و در تعریف حرفه آن را فعالیت معینی می‌دانند که موجب هدایت فرد به موقعیت تعیین شده همراه با اخلاق خاص است. اخلاق حرفه‌ای در سنت با محوریت انسان و انگیزه خدمت به دیگران در طول تاریخ متحول گردیده است... در نظام‌های غربی مانند سودانگاری، عدالت توزیعی، آزادی فردی و تکلیف‌گرایی اخلاق زمینه رسیدن انسان به سعادت را فراهم می‌نماید، اما سعادت در هر یک از این نظام‌ها به معنای خاصی تفسیر گردیده که با نظام اخلاقی - اسلامی تباین دارد. در نظام اخلاق اسلامی ملاک نهایی و نهایت سعادت بشری، الله است و انسان به عنوان خلیفه و جانشین الهی بر روی زمین، محور توجهات اخلاقی است، بدین معنا که خشنودی انسان و خدمت به او موجب رضایت و تقرب به خداوند می‌گردد، لذا در نظام اخلاق اسلامی با توجه به ملاک نهایی در صدد هستیم تا با ارائه دستورالعمل‌ها و آئین‌نامه‌های اخلاقی در سطح حرفه و زندگی اجتماعی و همچنین با در نظر گرفتن پیشرفت‌های مادی در جهت بهبود زندگی انسان‌ها، زمینه سعادت و کمال حقیقی بشر را فراهم آوریم (عاملی ۱۳۸۱).

این تعریف همان مبنایی است که امام در تمامی اصول مربوط به مجریان و ناظران انتخابات در صدد اقدام بدان هستند. به همین جهت آنچه از اصول انتخاباتی ذکر گردید با تعریفی از اخلاق که مقدمتاً به شرح آن پرداخته و مبنای بحث قرار دادیم مطابقت می‌کند، چرا که اخلاق مدّ نظر در این مقاله همان خصلت و سبیه نیکوست و بنا به دلایل فوق امام راحل در صدد ترویج و عمومیت دادن به یک چنین اخلاقی بوده‌اند.

همچنین تمامی اصول مذکور مستند به منابع شرعی اند چرا که: اصل اول (لزوم مشارکت عمومی و نفی بی‌تفاوتی نسبت به انتخابات) بیانگر مسئولیت‌پذیری آحاد افراد در جامعه اسلامی است؛ یعنی همان معنایی که امام با استناد به «قُلْ إِنَّمَا أَعِظُكُمْ بِوَاحِدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مِثْلِي وَفُرَادَى» (سبأ: ۴۶) بدان سفارش می‌کنند و این همان مفهومی است که در حدیث شریف فرموده‌اند: «کلکم راع و کلکم مسئول عن رعیته». اصل دوم (تأیید یا احراز صلاحیت بر اساس قانون) مبتنی است بر آیه شریفه‌ای که قضاوت بر اساس گمان را گناه برشمرده می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ» (حجرات: ۱۲). اصل سوم (تمهید امکانات و تدابیر لازم جهت برگزاری انتخابات) که لزوم آن بین عقلی است. اصل چهارم (حفظ اصالت آرا) که مبتنی است بر عدم اکراه مؤمنین به عملی و همچنین آیات دال بر امانت‌داری که می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَخُونُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ وَتَخُونُوا أَمَانَاتِكُمْ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ» (انفال: ۲۷). اصل پنجم (ترویج و حاکمیت دادن به اسلام ناب) که متکی است بر آیات فراوانی چون «وَمَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ» (آل عمران: ۸۵) و مشهوره‌ای که می‌فرماید «الاسلام يعلو ولا يعلا عليه». اصل ششم (رأی به واجدین شرایط) که مبتنی است بر آیه «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا» (نساء: ۵۸). اصل هفتم (مقابله با توطئه‌ها) که هم مبنای عقلایی دارد، هم مبتنی بر آیات دال بر مقابله با مکر مکاران است. اصل هشتم (احترام به اصل انتخابات) نیز نه تنها مبنای عقلایی دارد بلکه با توجه به شرط شرکت در انتخابات، یعنی پایبندی به قوانین رسمی جامعه مدلول به ادله لزوم وفای به عهد و پیمان است.

نتیجه‌گیری و جواب سؤالات

با توجه به مطالب گذشته به این نتیجه می‌رسیم که:

- ۱- با مطالعه در اندیشه‌های بنیانگذار جمهوری اسلامی به وجود مؤلفه‌های اخلاق انتخاباتی در دیدگاه‌های ایشان پی می‌بریم.
- ۲- با ارجاعات فراوان موجود در متن مقاله چنین نتیجه می‌گیریم که تا حدودی قانون انتخابات الهام گرفته از اندیشه‌های امام راحل است.
- ۳- با توجه به تکلیف‌گرا بودن ایشان و جمله معروفشان که می‌فرمایند: ما مأمور به تکلیفیم نه مأمور به نتیجه چنین ادعا کنیم که اخلاق مطرح در اندیشه رهبر کبیر انقلاب اسلامی اخلاق ناپیامد‌گرای تعقل محور سنت‌گراست.

منابع

- **قرآن کریم**
- ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبة الله، **شرح نهج البلاغه**، بی‌جا.
- امام خمینی، سید روح الله. (۱۳۸۵) **صحیفه امام**، دوره ۲۲ جلدی، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ و نشر عروج، چاپ چهارم.
- بیتنام، دیوید و کوئل بویل. (۱۳۷۶) **دموکراسی چیست؟**، ترجمه بهرام نقش تبریزی. تهران: ققنوس.
- جمعی از پژوهشگران زیر نظر شاهرودی، سید محمودهاشمی. (۱۴۲۶ق) **فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت علیهم السلام**، دوره ۳ جلدی، قم: مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت علیهم السلام، چاپ اول.
- جوهری، اسماعیل بن حماد. (۱۴۱۰ق) **الصاحح - تاج اللغة و صحاح العربیة**، دوره ۶ جلدی، بیروت: دارالعلم للملایین، چاپ اول.
- حمیری، نشوان بن سعید. (۱۴۲۰ق) **شمس العلوم و دواء کلام العرب من الکلوم**، دوره ۱۲ جلدی، بیروت: دار الفکر المعاصر، چاپ اول.

- عاملی، منیژه. (۱۳۸۱) **بررسی مبانی نظری اخلاق حرفه‌ای در اسلام**، پایان نامه کارشناسی ارشد، مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران.
- علامه طباطبایی، محمد حسین. (۱۳۶۰) **المیزان فی تفسیر القرآن**، ترجمه محمدباقر موسوی همدانی، قم: انتشارات دارالعلم.
- فرانکنا، ویلیام. (۱۳۷۶) **فلسفه اخلاق**، ترجمه هادی صادقی، قم: طه.
- قاضی، ابوالفضل. (۱۳۸۲) **بایسته‌های حقوق اساسی**، تهران: نشر میزان.
- **قانون اساسی جمهوری اسلامی.**
- **قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی.**
- مجلسی، محمدباقر. (بی تا) **بحار الانوار**، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- مدنی، سید جلال الدین. (۱۳۷۶) **کلیات حقوق اساسی**، تهران: پایدار.
- مصباح یزدی، محمدتقی. (۱۳۸۰) **فلسفه اخلاق**، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.